



از تولید شبه علم و شیخ علم تا حربه‌های دانشمندان دریاری

رئیس دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران با بیان اینکه اتکا به شاخص‌های جهانی و بومی هر یک خطرات و دستاوردهایی دارند، گفت: باور هر یک از سوبه‌های افراط و تفریط، بسیار خطرناک است.

رئیس دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران با بیان اینکه اتکا به شاخص‌های جهانی و بومی هر یک خطرات و دستاوردهایی دارند، گفت: باور هر یک از سوبه‌های افراط و تفریط، بسیار خطرناک است.

به گزارش ایسنا، دکتر علی اصغر پورعزت در چهاردهمین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی نخستین همایش ملی مرجعیت علمی که امروز با عنوان «کیفیت آموزش عالی و نقش آن در مرجعیت علمی» در مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی برگزار شد، گفت: به طور بدیهی از واژه مرجعیت علمی حس پیشرو بودن به ذهن متبادر می‌شود. اگر مرجعیت علمی بخواهد در ساحت علم پیش رویی را ایجاد کند، بازپردازی مکرر زبان علم ضرورت پیدا می‌کند و باید بتواند با آرای جدید خودش را تطبیق بدهد.

وی با تأکید بر اهمیت ارزشیابی مرجعیت علمی، گفت: اگر می‌خواهیم به مرجعیت علمی برسیم، باید شاخص‌هایی را برای ارزشیابی آن مشخص کنیم. ممکن است ادعا کنیم که باید به شاخص‌های جهانی یا شاخص‌های بومی مراجعه کنیم. در صورتی که اتکا بر هر کدام از شاخص‌های جهانی یا شاخص‌های بومی، آفت‌هایی هم دارد.

رئیس دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران با بیان این که شاخص‌های جهانی می‌تواند علائم راهنما و علائم هشدار برای ما داشته باشد، توضیح داد: مثلاً این که جایگاه کشور ما از نظر تولید علم کجاست؟ و تلاش‌های پژوهشگران ما را به کجا رسانده؟ برای ما می‌تواند راهنما باشد. همچنین هشدارهایی هم به ما می‌دهد که مثلاً ما در منطقه عقب افتادیم یا جلو هستیم.

وی در مورد خطرات اتکا به شاخص‌های جهانی، گفت: یکی از خطرات اتکا به شاخص‌های جهانی، تقویت چرخه باطل تقلیدهای ناممکن است. بسیاری از چرخه‌ها و فرآیندهای سپری شده در طول تاریخ، امکان تکرار ندارند و اگر ما به تکرار این فرآیندها اصرار کنیم، به تضییع منابع می‌انجامد و این خطر را در پی دارد که انرژی محدود علمی خود را صرف چیزی کنیم که دستاورد چندانی ندارد.

پورعزت یکی دیگر از خطرات شاخص‌های جهانی را بی‌توجهی به اولویت‌های اینجا و اکنون دانست و گفت: اولویت‌های اینجا و اکنون، اضطراب‌های مردم را نشان می‌دهد، ولی وقتی به اضطراب‌های مردم بی‌توجه باشیم، دانش به سمت دانش ناسودمند می‌رود.

خطرات انکار شاخص‌های جهانی و تکیه به شاخص‌های بومی

وی با بیان اینکه انکار شاخص‌های جهانی نیز خطراتی را به دنبال دارد، توضیح داد: یکی از این خطرات تولید «شبه علم»، تولید «علم نارسا» و در پی آن سیطره یافتن دانشمندان مبتدی است؛ به خصوص کسانی که عادت کردند که با انتقاد و رد دیگران رشد کنند و از این طریق به سرعت سلبریتی علمی می‌شوند.

رئیس دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران تولید «شبح علم» را یکی دیگر از خطرات بی‌توجهی به شاخص‌های جهانی عنوان کرد و گفت: شیخ علم و ترک تازی در تولید علم کاذب، موضوع خطرناکی است. زمانی جادوگران، دعانویسان و خرافه پرستان سیطره داشتند و در ۳ هزار سال پیش ایران و حتی ۷۰۰ سال پیش اروپا این افراد حاکم بودند. این خصلت‌ها هنوز از بین نرفته است. وقتی علم را نارسا می‌کنیم و معیار برای آن قرار نمی‌دهیم، این افراد با ادبیات علمی امروز، ادعاهای عجیب می‌کنند.

وی خاطر نشان کرد: خطر دیگر بی‌توجهی به شاخص‌های جهانی نیز تولید علم ناسودمند و بی‌توجهی به اولویت‌های اینجا و اکنون است. این علم ممکن است مفید باشد، ولی در اولویت نیست.

پورعزت به تشریح دو واژه «کج حکمرانی» و «تباه حکمرانی» پرداخت و گفت: کج حکمرانی زمانی است که اولویت‌ها را در نظر نمی‌گیریم و تباه حکمرانی زمانی است که منابع را از بین می‌بریم. برای مثال؛ ساخت سدی که زمین را خراب می‌کند، تباه حکمرانی است و ساخت سدی که امروز اولویت ندارد، کج حکمرانی است. بسیاری از کارهای خوب را می‌توان بعدها انجام داد.

استاد گروه آموزشی مدیریت دولتی دانشگاه تهران اظهار کرد: افراط و تفریط در مواجهه با انتقال دانش، گاهی به تقلید کورکورانه منجر می شود و گاهی نیز به بی توجهی به دستاوردهای پیشین می انجامد که این نیز بی منطق است و به اختراع دوباره چرخ می انجامد.

حربه های دانشمندان درباری

وی با اشاره به دستاوردهای سویه افراط و تفریط، گفت: افراط ممکن است باعث حرافی یا التقاط شود. اوایل انقلاب عده ای پیدا شدند که به هر موضوعی که در دنیا مطرح می شد، یک برچسب اسلامی می زدند و می گفتند اسلام این ها را گفته است. گاهی بین فروید و اسلام و گاهی بین مارکسیست و اسلام التقاط می کردند و همین موضوع باعث تبدیل شدن به عرصه کشاکش التقاط های رنگارنگ ایدئولوژیک، علمی، ادبی، تجربی و دنیامحوری می شود.

پورعزت در مورد دستاوردهای سویه افراط، توضیح داد: دستاوردهای سویه افراط همچنین می تواند منجر به ادعای مرجعیت علمی داشتن، خودمحوری و خودمرجعی بودن و ادعای تولید علم بومی می شود. برخی انگاره های غربی را شبیه سازی و گرته برداری می کنند و ادعای تولید علم بومی دارند.

وی افزود: دانشمندان درباری جدید الان وجود دارند که در کنار مسئولان و سیاستمداران قرار می گیرند و هر سیاستی که آن فرد انجام می دهد را می گویند درست است. این حربه دانشمندان درباری برای فریب سیاستمداران و بروکرات های بی سواد است.

رئیس دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران یکی دیگر از دستاوردهای سویه افراط را شیوع ادعای گزاف و بی پایه عنوان کرد و گفت: این افراد حرافی می کنند و می گویند این علم است. باید توجه داشت که فرضیات را بدون صغری و کبری منطقی نمی توان گفت. مثلاً کرسی نظریه پردازی برگزار می کنند و دائم نظریه پردازی می کنند. انگار که نظریه مثل خط تولید کوکاکولا است! این در حالی است که در تاریخ علم، معمولاً حادثه ها باعث تولید نظریه می شود.

وی به تشریح خطرات سویه تفریط پرداخت و گفت: دستاوردهای سویه تفریط گاهی کمیت گرایی بی حد و حصر است. در برخی رشته های دانشگاهی، هر سه روز یک بار مقاله بین المللی تولید می کنند. این ها خوب است؛ حتی رتبه اول تولید دانش را هم به دست آوردید؛ ولی چقدر مشکلات مردم را در ساحت این رشته حل کردید؟ مثلاً در رشته شیمی که بنیان گذارش ایران است و این حجم تولید مقاله دارد، ما شاید فقط در تولید چسب مایع بی نیاز باشیم! بقیه محصولات را وارد می کنیم.

پورعزت خاطر نشان کرد: در حال حاضر عنوان می شود که نباید کمیت گرایی بی حد و حصر وجود داشته باشد، ولی در عمل به این افراد بیشتر بها می دهیم. چون یکی دو نفر از دانشمندان مثلاً رشته شیمی می توانند رتبه کل دانشگاه را تغییر دهند! جای تشکر و تقدیر دارد، ولی حلقه های تبدیل دانش به حل مساله در نظر گرفته نمی شود.

وی خاطر نشان کرد: موضوع بی توجهی به تفاوت های شگرف علوم انسانی با دیگر علوم نیز یکی دیگر از سویه های تفریط است و قالب های تشخیص صلاحیت علمی باید تغییر کند.

استاد گروه آموزشی مدیریت دولتی دانشگاه تهران تاکید کرد: باور هر یک از سویه های افراط و تفریط، بسیار خطرناک است.

راه های نجات از افراط و تفریط

پورعزت به تشریح راه های نجات از این وضعیت پرداخت و گفت: یکی از راه های نجات، «توجه به سیره عقلا و خردمندان در گذر تاریخ» است. تولید دانش در طول تاریخ در ایران بوده است و از ایران به یونان رفته است، در صورتی که این موضوع خیلی مطرح نمی شود.

وی ادامه داد: یکی دیگر از راه های نجات، «تمرکز به حل مساله و تولید راهکار» است. ما از مساله به تولید راهکار نرسیدیم. مردم زمانی طعم حل مساله توسط دانشگاه را می چشند که به راهکار رسیده باشیم؛ ولی ما در این بخش ضعیف بودیم.

رئیس دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران راه نجات دیگر را «توسعه فلسفه» دانست و گفت: توسعه فلسفه، به ویژه فلسفه مضاف و باز ارزیابی ارزش منطقی می تواند راه گشا باشد. الان گزاره های فلسفی رها شده اند. باید کمک کنیم تا کرسی های چالش برانگیز فلسفی برگزار شوند. گاهی نظریه هایی که رد می شوند، ارزشمندتر از نظریه هایی هستند که در ظاهر تایید می

شوند.

وی تاکید کرد: ما باید ارزش منطق را بازگردانیم و به محضر منطق برگردیم و گزاره های عقلانی را توسعه دهیم. اگر منطق را رد می کنیم، نمی توانیم حرافی را جایگزین آن کنیم. به دنبال جایگزین منطق باشیم، ولی اگر می خواهیم چیزی را جایگزین منطق کنیم، باید جایگزین بهتری از آن پیدا کنیم.